

Waist Aprons of Peddlers in the Naser al-Din Shah Qajar Era Based on the Scrapbooks of Professions in Golestan Palace and the British Museum

Ameneh Mafitabar* 

Assistant Professor, Department of Textile and Clothing Design Department, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran.

(Received: 20 Apr 2023; Received in revised form: 10 May 2023; Accepted: 15 May 2023)

The majority of research on Qajar clothing is centered on the garments common among people from all walks of life, neglecting those specific to particular trades or social classes. This study focuses on the type of fabric used for the waist aprons worn by Qajar - era peddlers, as depicted in two Scrapbook of Professions manuscripts from the reign of Naser al - Din Shah Qajar. In analyzing the fabric's design and production method, the study also fulfills a secondary objective, namely exploring the two manuscripts. One book is kept in Golestan Palace in Tehran and the other in the British Museum, and given their stylistic similarities, they appear to have been created around the same time. The first manuscript has 32 pages of watercolor paintings of different occupations and different clothes of the Qajar era. This scrapbook has recorded scenes from the daily life of ordinary people and is therefore sociologically significant. The second version of scrapbook is similar to the style of the previous one, however with half of its dimensions. In any case, this manuscript apparently has about 28 paintings. The research questions are: Based on the Naserian-era Scrapbook of Professions manuscripts, what items of clothing did male peddlers wear in addition to the clothing worn commonly by men? And how were these additional items decorated? Conducted as qualitative, historical, and descriptive - analytical research, the study reviewed the manuscripts and selected ten illustrated men in waist aprons. The analysis of these artworks showed that waist aprons were part of peddlers' professional outfits in Qajar Iran and that the peddlers who wore waist aprons included those who sold boiled beets, boiled broad beans, beef tripe, black mulberry, faience, barberry juice, the kashk-dough beverage, secondhand clothes, and bread. Of the selected ten men, nine wore waist aprons made of a type of patterned fabric known as moharramāt (Striped), and only one - depicted in the Golestan Palace manuscript as Ustād Reza Peenedooz (Master Reza the Cobbler)- wore a plain

waist apron. Looking at the manuscripts, moharramat fabric seems to have been among the most popular fabrics for men's waist aprons in Qajar Iran. It also varied in quality and production method: some varieties had patterns woven into them, whereas others had decorations added on top using techniques such as embroidery. Striped embroidered varieties were more expensive and mostly used in the early Qajar era for women's pants. Floral-patterned varieties with often-thin stripes were popular for women's shirts and male servants' qaba coats, as well as in the form of waist sashes, linings, and hem decorations for upper - class men. As suggested by the illustrations, the moharramat used for peddlers' waist aprons was of a very cheap variety, appropriate for peddlers' occupations and economic class and for an apron's purpose, namely protecting the clothing worn under it. This variety was made of cotton and probably resembled the type of traditional handkerchief known today as the dastmāl- e Yazdi (Yazdi handkerchief).

Keywords:

Naser al-Din Shah Qajar, The Scrapbook of Professions, Peddler Outfit, Waist Apron, Moharramat Fabric, Yazdi Handkerchief.

Citation: Mafitabar, Ameneh (2023). Waist aprons of peddlers in the Naser al-Din Shah Qajar era based on the scrapbooks of professions in Golestan Palace and the British museum, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 28(2), 77-88. (in Persian)

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfava.2023.357747.667103>



* Corresponding Author: T(+98-21) 41050688, E-mail: a.mafitabar@art.ac.ir

پیش‌دامن (پیش‌بند) اصناف دوره‌گرد عصر ناصری بر پایهٔ مرقعات اصناف در کاخ گلستان و موزهٔ بریتانیا

آمنه‌مافی تبار*

استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵)

چکیده

در اهم پژوهش‌های پوشاک دورهٔ قاجار، بر اجزای تقریباً ثابت در بین تمام اقشار جامعه تأکید می‌شود و ذکر برخی جزئیات پوششی متناسب با مشاغل یا موقعیت اجتماعی مغفول می‌ماند. بررسی پارچهٔ کاربردی در پیش‌دامن (پیش‌بند) مصور در پوشش دست‌فروشان دوره‌گرد، در دو نسخه از مرقعات صنفی عصر ناصرالدین‌شاه قاجار، محل تمرکز پژوهش حاضر است. نسخهٔ اول، در کاخ موزهٔ گلستان نگهداری می‌شود و نسخهٔ دوم محفوظ در موزهٔ بریتانیاست و بر اساس ویژگی‌های سبک‌شناسی احتمالاً هر دو اثر در زمانی نزدیک به یکدیگر رقم خورده‌اند بنابراین پرسش مقاله حاضر، آن است: بر اساس دو نسخه از مرقعات صنفی عهد ناصری، کدام جزء از پوشش دست‌فروشان دوره‌گرد، افزون بر موارد متعارف در پوشاک مردانه بوده و پارچهٔ کاربردی در این مصرف، با چه طرح و نقشی تولید می‌شده است؟ مطالعهٔ پیش‌رو با رویکرد تاریخی، به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و نمونه‌گیری هدفمند ده تصویر شکل‌گرفت و نتیجه نشان داد: پیش‌دامن، عنصر افزون پوشاک اصناف دوره‌گرد قاجاری است که برخی از ایشان از آن بهره می‌گرفتند. پارچهٔ محرمانه به‌عنوان یکی از انواع منسوجات نسبتاً ارزان، نمونهٔ پرکاربرد در این مصرف است. البته این منسوج در انواع گران‌بها نیز تولید می‌شده که به‌تبع در پوشش دوره‌گردان استفاده نداشته است. می‌توان پارچهٔ مصرفی ایشان را نظیر انواعی ارزیابی کرد که امروزه تحت عنوان دستمال یزدی شناسایی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

ناصرالدین‌شاه قاجار، مرقع اصناف، پوشاک اصناف دوره‌گرد، پیش‌دامن، پارچهٔ محرمانه، دستمال یزدی.

استناد: مافی تبار، آمنه (۱۴۰۲)، پیش‌دامن (پیش‌بند) اصناف دوره‌گرد عصر ناصری بر پایهٔ مرقعات اصناف در کاخ گلستان و موزهٔ بریتانیا، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای

تجسمی، ۲۸ (۳)، ۷۸-۸۸. DOI: <https://doi.org/10.22059/jfava.2023.357747.667103>

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۰۵۰۱۴. E-mail: a.mafitabar@art.ac.ir



مقدمه

پژوهش حاضر بر آن قرار دارد که با جزئی‌نگری در دو نسخه از مرقعات اصناف، نسبت به مطالعه یکی از اجزای پوشش ایشان یعنی پیش‌بند اقدام نماید. با این نگاه، در مسیر دستیابی به هدف اصلی یعنی واکاوی در طرح و شیوه پارچه کاربردی در پیش‌دامن اصناف عهد ناصری، هدف فرعی دیگری محقق می‌گردد که بحث و نظر درباره دو نسخه از مرقعات صنفی قاجاری است بنابراین مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است: بر اساس منابع تصویری مذکور، کدام جزء از پوشش دست‌فروشان دوره‌گرد عهد ناصری، افزون بر موارد متعارف در پوشاک مردانه بوده و پارچه کاربردی در این مصرف، با چه طرح و نقشی تولید می‌شده است؟ بدین قیاس جهت دستیافت به نتیجه پژوهش پس از معرفی دو نسخه از مرقعات اصناف مربوط به عصر ناصرالدین‌شاه، اجزای پوشاک مرسوم در جامعه عهد ناصری مورد اشاره قرار می‌گیرد و با تحلیل و بررسی پیش‌دامن مصور در ده نمونه از پوشش دوره‌گردان دست‌فروش، نسبت به گمانه‌زنی درباره طرح و شیوه تولید پارچه کاربردی در این مصرف، اقدام و با ارزیابی انواع پارچه‌های محرمات، نتیجه عرضه می‌شود.

اسناد تصویری عصر قاجار همچون نقاشی می‌تواند برای مطالعه فرهنگ و شیوه زیست مردم آن عصر مؤثر واقع شود. دو نسخه از مرقعات صنفی به‌جای مانده از حکمرانی عهد ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴ ه.ق/ ۱۸۴۸ م. - ۱۳۱۳ ه.ق/ ۱۸۹۰ م.)، نمونه‌ای از مصادیق تصویری مذکور است که برای پژوهش در شیوه پوشش دست‌فروشان دوره‌گرد آن دوره مناسب به نظر می‌رسد. خاصه آنکه نسخ مذکور، کم‌تر به مطالعه درآمده‌اند. یک نمونه از این نسخ، در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود و نسخه دوم که در موزه بریتانیاست در منابع تاریخ‌نگاری فارسی به تمام از بررسی مستور مانده است. در هر دو مرقع، تصاویری از زنان و کودکان نیز قابل ملاحظه است اما تصویرگر ناشناس بیشتر بر تجسم دست‌فروشان دوره‌گرد تمرکز کرده است. از این حیث با مطالعه آن می‌توان نسبت به گمانه‌زنی در شیوه پوشش این مردمان دست برد چراکه در بررسی پوشش قاجاریان، معمولاً نگاه کل‌نگر، مبتنی بر سرتاسر دوره قاجار حاکمیت داشته و در اهم موارد، پوشش زنان مورد سؤال بوده است یا در صورت توجه به پوشش مردانه نیز، شکل رسمی در جامعه شهری و درباری به چالش گرفته شده است بنابراین هدف

روش پژوهش

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی نسبت به مطالعه پارچه کاربردی در پیش‌دامن (پیش‌بند) اصناف دوره‌گرد در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار اقدام می‌کند. جهت شکل‌گیری این مطالعه، نمونه‌گیری هدفمند در دو نسخه از مرقعات اصناف قاجاری، یکی محفوظ در کاخ گلستان و دیگری در موزه بریتانیا کارآمد نشان می‌دهد. با نظر به متغیرهای پژوهش، یعنی احراز تصویر مردانه (در مقابل زنان و کودکان) که کوچک و بازار مصور شده‌اند) و استفاده از پیش‌دامن، ده تصویر گزینش شد. بدین ترتیب این پژوهش توسعه‌ای با جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از فیش‌برداری و تصویرخوانی به هدف خود دست می‌یازد.

پیشینه پژوهش

درباره پوشاک مردانه عصر ناصری، افزون بر مواردی همچون کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی از مهرآسا غیبی (۱۳۸۶) و کتاب تاریخ پوشاک قاجار از سهیلا شهبهانی (۱۳۹۶) که در سایه نگاه کل‌نگر نسبت به لباس مردانه این دوره توجه داشته‌اند، برخی دیگر همچون کتاب پوشاک ایرانیان در عصر قاجار (چربی و چگونگی) از مریم مونس سرخه (۱۳۹۶)، نسبت به تحلیل و طبقه‌بندی تاریخی پوشش قاجاریان، متناسب با ادوار پادشاهی اقدام کرده‌اند. در باب مقالات نیز هرچند بیشتر پژوهش‌های مکتوب در این حوزه بر انواع زنانه تمرکز دارند، اما می‌توان به مقاله «سیمای مرد مدرن: تحلیلی بر تحول لباس مردان در ایران عصر قاجار» از منظر محمدی و سید سعید احمدی زاویه در فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی (۱۳۹۷) یا مقاله «شاخصه‌ها و زمینه‌های تأثیرگذار بر تحولات لباس ایران از لباس اروپا در دوره دوم قاجار» از علی عرشی و سعید نوری تبار در فصلنامه علوم و فناوری نساجی و پوشاک (۱۴۰۰) اشاره داشت که تغییر و تطور پوشاک مردانه را در بازه تاریخ طولانی حکومت قاجار و در بطن جامعه شهری به چالش گرفته‌اند. برخی دیگر نیز همچون الهه صالح با نگاه ظریف‌تر، جزئیات رسمی مورد استفاده در لباس درباریان و اشراف

را در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زیورآلات وابسته به پوشاک مردان» مورد تدقیق قرار داده و در فصلنامه پیکره به چاپ رسانده‌اند (۱۳۹۴). اما در توجه خاص به پوشش مردانه عصر ناصری بایست به مقاله آمنه مافی تبار با عنوان «پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک شب صنایع‌الملک» در ماهنامه باغ نظر پرداخت (۱۴۰۰) که پوشاک مردانه اوایل حکومت ناصرالدین‌شاه را پیش از سفر وی به اروپا و از منظر نگاره‌های هزارویک شب مصداق بررسی قرار داده که البته به تبع پیشینیان، او نیز در این مطالعه، شکل و صورت کلی و عام پوشش جمعیت شهری را به بحث و فحص گرفته است. لازم به ذکر آنکه مافی تبار پیش‌تر با همراهی فاطمه کاتب و منصور حسامی، مقاله‌ای را درباره اسلوب زیبایی‌شناسی و فلسفی پارچه محرمات - به‌عنوان یکی از متغیرهای مقاله حاضر - در فصلنامه کیمیای هنر منتشر داشته (۱۳۹۵) که با عنوان «تناظر بازنمایی تصویری و نظم در هنرهای تزئینی از منظر «رنست گامبریج (مورد مطالعاتی: طرح پارچه‌های محرمات)» قابل‌بازیابی است. اما در عمل، آنچه مقاله حاضر را از پژوهش‌های پیش‌تر متمایز می‌سازد در وجه نخست، تمرکز بر لباس مردانه عصر ناصری است که برای اتمام آن بر دو نسخه مرقعات اصناف به‌جای مانده از آن عهد تکیه می‌کند. در گام بعدی این مطالعه، «پیش‌دامن» به‌عنوان یکی از اجزای پوشش اصناف دوره‌گرد محل بررسی قرار می‌گیرد، حال آنکه در پژوهش‌های یادشده لباس اشراف، درباریان و عموم مردان جامعه شهری در طبقات اجتماعی متوسط با سطح اقتصادی مطلوب مورد بررسی بوده و از توجه با سایر اجزای پوششی رایج در آن دوره غفلت شده است. مسئله‌ای که این پژوهش در جهت ترمیم آن قدم برمی‌دارد.

مبانی نظری پژوهش

نظری بر دو نسخه مرقع اصناف در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار در حکومت قاجاریان و در عهد ناصری، مرقع‌سازی به دلیل علاقه شاه به آن از توجهی درخور برخوردار شد. مرقع‌سازی در این دوره تاجایی پیش

در مرقع پیشین به این نسخه نزدیک می‌نماید می‌توان با اغماض این نسبت تاریخی را به نسخه پیشین نیز تعمیم داد. در هر صورت این مرقع صنفی مربوط به سال‌های حکومت ناصری است و ظاهراً حدود ۲۸ نقاشی دارد که ۱ مورد از آن کودکان را در حال عزاداری برای امام حسین^(ع) نشان می‌دهد، ۳ نگاره، زنان را در فضای اندرونی و ۲ نگاره ایشان را در فضای بیرونی تصویر کرده و در نهایت ۲۲ نگاره مردان را در حال کسب و کار به نمایش درآورده است. از جمله مشاغل قاجاری قابل‌بازبایی در این مرقع می‌توان به جگرکی بساطی، پارچه‌فروشی، تخم‌مرغ‌فروشی، پرنده‌فروشی، سقایی، بلورفروشی و غیره اشاره کرد.

کلیت لباس مردانه در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار

در حوزه پوشاک مردانه عصر ناصری، متداول‌ترین نوع پوشش سر، کلاه قجری ساخته‌شده از پوست بره بود که برای جوانان و کارمندان دولت جنبه رسمی داشت. البته انواع ارزان‌قیمتی نیز موجود بود که با پارچه درست می‌شد و برای افراد پایین‌دست اجتماع به کار می‌آمد. نکته آنکه در دوره ناصری ارتفاع کلاه به نحو قابل‌توجهی کاهش پیدا کرد و تا پایان دوره قاجار به همان صورت باقی ماند. در این دوره، پوشش سر مردان وابسته به موقعیت اجتماعی و منطقه جغرافیایی سکونت ایشان تغییر می‌کرد، به طوری که کلاه نمدی بین روستاییان و کارگران به کار آمد. «در این مصداق، کارگران به جای کلاه قجری اغلب کلاه‌های گرد نمدی بلوطی (قهوه‌ای‌رنگی) به سر می‌نهادند که بدون لبه بود» (دیولافوا، ۱۳۳۲، ۹۶). درباره پوشش زیرین مردان عصر قاجار، پیراهن برای متمولین از ابریشم و برای دیگر افراد از کتان، پنبه و کرباس تهیه می‌شد. پیراهن‌ها بیشتر سفید بود که درباره فقرا با لاجورد به رنگ آبی درمی‌آمد: «قشار کاسب‌کار یا روستایی معمولاً پیراهن کرباس خود را با مراجعه به رنگرزان به رنگ آبی درمی‌آوردند اما طبقه اعیان، رنگ سفید آن را ترجیح می‌دادند» (ویلز، ۱۳۸۸، ۳۵۱). اراخالق نیز که تا پیش از رواج کت‌وشلوار اروپایی در اواخر دوره قاجار کارآمد می‌نمود در دو نوع تابستانی و زمستانی دوخته می‌شد. نوع زمستانی دارای لایه‌دوزی پنبه‌ای بود و در نوع تابستانی، بدون لایه پنبه‌ای، معمولاً از پارچه کتان یا پنبه‌ای قلمکار موسوم به چیت بود (پولاک، ۱۳۶۸، ۱۰۹). درباره پاجامه، شلوار از ابریشم، پنبه یا کتان دوخته می‌شد. «شلوارها در این دوره از پارچه نخی یا ابریشمین است که به صورت گشاد دوخته می‌شد تا برای نشستن روی زمین مناسب باشد» (غیبی، ۱۳۸۶، ۵۱۷). اما اصلی‌ترین اجزاء تن‌پوش رویین مردانه در عصر ناصری، قبا و شال کمر، سرداری و کلیجه بود که در طی تاریخ حکومت او به تناسب تغییرات اجتماعی و البته وضعیت اقتصادی کاربرد داشت. درباره قبا آنکه از ابتدای عصر قاجار و از همان طلیعه حکومت آغامحمدخان با اندازه بلند استفاده داشت اما از دوره محمدشاه نسبت به کاهش قد آن تا زانو اقدام شد و روند این تغییر در عصر ناصرالدین‌شاه شکل صعودی به خود گرفت. در آن سال‌ها معمولاً برای محکم کردن کمرگاه قبا از شال کمر استفاده می‌شد. «البته در همان دوران نیز برخی از کارمندان که بدون واسطه با شاه تماس داشتند و همین‌طور نظامیان، کمربند چرمی داشتند» (پولاک، ۱۳۶۸، ۱۰۷). اما به تدریج کمربند چرمی بین عامه مردم رواج گرفت شال کمر را از رونق انداخت. علاوه بر این، رواج سرداری در منسوخ شدن قبا و به تبع شال کمر بی‌تأثیر نبود چرا که در میانه دوره ناصرالدین‌شاه و بعد از سفرهای مکرر وی به اروپا، سرداری به آهستگی با قبا جایگزین شد که در صورت

رفت که به دلیل تنوع موضوعات، مرقعات موضوع‌بندی شد که از جمله آن‌ها می‌توان به مرقع اصناف، مرقع نقاشی الفیه ایرانی و فرنگی، مرقع طرح لباس نظام، مرقع نقاشی ژاپنی و... اشاره کرد. در سال‌های بعد و پس از دوره مشروطیت با تعمیم نقاشی و خطاطی در بین اقشار مختلف مردم، مرقع جای خود را به آلبوم عکس و تصویر داد و کارکرد اجتماعی وسیع پیدا کرد (ژوند، ۱۳۸۹، ۸۲۰-۸۲۱). بدین سبکه، یک نسخه مرقع اصناف به شماره ۱۶۵۲، با ابعاد کاغذی ۳۲/۸ × ۲۴/۱ سانتی‌متر در کتابخانه کاخ‌موزه گلستان (تهران) نگهداری می‌شود که متعلق به عصر ناصرالدین‌شاه قاجار است. این مرقع، دارای ۳۲ صفحه نقاشی آبرنگ از مشاغل مختلف و لباس‌های گوناگون دوران قاجار است که در ذیل هر تصویر نام و شغل صاحب تصویر به قلم شکسته نستعلیق نوشته شده است (آتابای، ۱۳۵۳، ۳۷۸). ۳۱ صفحه از مرقع مذکور - به‌غیر از تصویر صفحه اول یعنی مرتضی ملاقلی طالقانی که در همه مجالس سور حاضر می‌شود - کم‌تر از دو دهه پیش در قالب کتاب به چاپ رسید. این مرقع، صحنه‌هایی از زندگی روزمره مردم عادی را به ثبت رسانده و بدین حیث از نظر اجتماعی و جامعه‌شناختی اهمیت بسیار دارد (ژوند، ۱۳۸۹، ۸۲۱). در این مرقع ارزشمند، سیمای شماری از کاسبان دوره قاجار به قلم هنرمندانه نقاش ناشناس با ظرافت و نکته‌سنجی تمام‌باز آفریده شده است. هنرمند هر یک از شغل‌ها را در دستان یکی از افراد شناخته‌شده آن شغل دیده و کوشش کرده که آن صنف را با فرد معین و با شهرت مشخص نام آن به تصویر بکشد، همچون رضاعلی شیرفروش نطنزی یا ملامیرزا یوشع یهودی علاقه‌بند (انواری، ۱۳۸۲، ۱۰). به‌هر روی از مجموع ۳۲ صفحه نقاشی این سند، ۴ نگاره به زنان در فضای بیرونی و ۲ نگاره به ایشان در فضای اندرونی تخصیص یافته و ۲۶ نگاره نیز مردان را در قالب دست‌فروشی و دوره‌گردی همچون اتوکشی، پینه‌دوزی، میوه‌فروشی، کلاه‌دوزی، ماهی‌فروشی و... نشان می‌دهد.

یک نسخه دیگر از مرقع اصناف، به سیاق و شیوه قلم‌گذاری نسخه پیشین اما با بنامی از ابعاد آن یعنی ۱۱/۴۰ × ۱۵/۵۰ سانتی‌متر در موزه بریتانیا (لندن) محفوظ است که نگارنده احتمال می‌دهد به سبب شباهت‌های موضوعی و سبکی، توسط نقاش ناشناس نسخه کاخ‌موزه گلستان رقم خورده باشد. بر اساس اطلاعات موزه‌ای، برای این مجموعه تاریخ ۱۲۶۶ م/ق/ ۱۸۵۰ م. تعیین گردیده یعنی با این حساب، این اثر بسیار پیش‌تر از اولین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا (۱۲۸۹ م/ق/ ۱۸۷۳ م.) تصویر شده است (URL1) اما حتی فارغ از سبک و سیاق نقاشی، بر اساس خصایص پوششی زنان در این مرقع، به‌ویژه پاجامه فضای اندرونی که مشتمل بر دامن‌های کوتاه با شلوار سفید است و در فضای بیرونی، کفش مشکی چرمی وارداتی موسوم قونداره را تداعی می‌کند؛ این مجموعه بایست پس از اولین سفر پادشاه به اروپا یعنی بعد از سال ۱۲۸۹ م/ق/ ۱۸۷۳ م. و در دوره کوتاه رواج پوشش این‌چینی در اندرونی زنانه رقم خورده باشد. از سوی دیگر، لباس مردان بر عمومیت قبا به‌عنوان جامه بیرونی به‌عوض جامه کمرچین سرداری گواهی می‌دهد. نکته آنکه در دوره ناصری، بالاپوش سرداری به‌عنوان یک ابداع در پوشاک، بعد از رواج میان درباریان، نظامیان و مستخدمان در زمانی متأخر میان عامه مردم تداول یافت بنابراین نگارنده احتمال می‌دهد که این نسخه، اندکی بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به خارج از کشور و در آخرین دهه از قرن سیزدهم (۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ م/ق/ ۱۸۷۴ تا ۱۸۸۲ م.) خلق شده است. از آنجا که سبک و شیوه نقاشی؛ پیکربندی و پوشش افراد (اعم از زن و مرد)

(شهری، ۱۳۷۸، ۶۷/۱) که برخی از آن‌ها در این مرقعات به تصویر درآمده‌اند اما بررسی آن‌ها با هدف پژوهش سازگاری ندارد. در این بین، از شمار مردانی که حقیقتاً بتوان آن‌ها را کاسب کار به‌شمار آورد، ۱۰ تن با پیش‌دامن تصویر شده‌اند. شایان ذکر آنکه در این مطالعه، لباس هر فرد، نمایندهٔ کامل پوشاک آن صنف خاص به‌حساب نمی‌آید زیرا سلیقهٔ شخصی در پوشش فرد تأثیر داشته است. خاصه آنکه در مرقع اصناف کاخ گلستان در توضیح هریک از مشاغل دوره‌گرد، نام و شهرت افراد قید گردیده و هر نگاره به‌طور مشخص به فرد خاص ارجاع می‌دهد: همچون «مشهدی محسن اتوکش سر مسجد میرزا موسی». البته شاید تمامی اتوکش‌های قاجاری، دستورالعمل تقریباً یکسانی را در شیوهٔ لباس پوشیدن دنبال می‌کرده‌اند اما مسلماً در جزئیات با یکدیگر تفاوت داشته‌اند و نگارنده نیز در پی تعمیم نتیجه‌گیری نبوده است پس بهره‌گیری یا عدم بهره‌گیری از پیش‌دامن توسط یکی از اهالی اصناف قابل عمومیت‌بخشی به بقیه هم‌صنفان نخواهد بود. با این وجود، آنچه در میان جالب توجه می‌نماید، کاربرد پرتکرار پیش‌دامن است که هرچند در سنت معمول تعریف اجزاء لباس مردان قاجار مغفول واقع می‌شود اما در پوشش اصناف بسیار کارآمد بوده است و احتمالاً در مشاغلی که احتمال ریزش مایعات و چربی وجود داشته یا امکان ساییدگی، فرسایش و پارگی لباس اصلی وجود داشته، نقش مؤثرتری ایفا می‌کرده است.

پیش‌دامن در لباس کسبهٔ مرقع اصناف محفوظ در کاخ گلستان

در تصویر (۱)، «کربلایی صادق دوغ‌کشکی» قابل ملاحظه است. دوغ‌کشکی‌ها که از دوره‌گردان شهر بودند، کشک خشک را در کوزه‌های سفالین یا چوبین خیسانده سپس می‌ساییدند و با افزودن آب به آن، دوغ‌کشک را می‌ساختند که مصرف‌هایی در طبخ غذای سنتی داشت و به‌صورت نوشیدنی مستقل صرف می‌شد (انواری، ۱۳۸۲، ۱۵) و توسط دوره‌گردان به فروش می‌رسید. در این تصویر، کربلایی صادق که لباس فرسوده مشتمل بر کلاه، پیراهن، شلوار و قبایی به سبک زمانهٔ خود بر تن دارد، روی تمام اجزاء، پیش‌دامنی دربر کرده که طرح راه‌راه رنگی در آن قابل‌بازایی است. در تصویر (۲) هم «مشهدی حمزه نطنزی شاه‌توت فروش» دیده می‌شود. مردی که در زمرهٔ «طبقی‌های دوره‌گرد» قرار می‌گیرد که امتعهٔ خود را روی سر حمل می‌کردند و متاعشان معمولاً میوه‌جات تازهٔ کم‌حجم و خشک‌بار بود (شهری، ۱۳۷۸، ۱۸۱/۵). با این



تصویر ۲- مشهدی حمزه نطنزی شاه‌توت فروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ سیزدهم از نسخهٔ اصلی، کاخ‌موزه گلستان، تهران، مأخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۴۵)

عام از کمربند بی‌نیاز بود. افزون‌براین، در عصر ناصرالدین‌شاهی و پس‌از آن، تقریباً تا پایان دورهٔ حکمرانی این پادشاه، کلیجه روی قبا و سرداری پوشیده می‌شد تا ضمن افزایش شکوه لباس مردانه، گرمابخش بدن ایشان در سرما باشد. البته کلیجه در بین متمولین، اعتبار ویژه‌ای داشت در حالی که بسیاری از ضعفا از آن بی‌بهره بوده و آن را با پوستین و پستک جایگزین می‌کردند زیرا معمولاً «کلیجه از شال کشمیر دوخته و روی سینه و سرآستین آن‌ها معمولاً با پوست بخارا آرایه‌بندی می‌شد و گران‌قیمت می‌نمود بنابراین کلیجه را معمولاً از طرف اربابان به‌عنوان خلعت به مستخدمین می‌دادند» (بروگش، ۱۳۶۷، ۱۲۸). درنهایت در اواخر این عهد و در تداوم سال‌های پایانی حکومت قاجاریان، کلیجه به آرامی جای خود را به پوشش غربی‌های رایج در ایران سپرد.

پیش‌دامن (پیش‌بند) در پوشش مشاغل عصر ناصری به استناد مرقع اصناف

بنابر لغتنامه دهخدا، پیش‌بند (پیش‌دامن) چنین تعریف شده است:

آنکه پیش‌بند، آنکه جلو گیرد. آنکه برابر چیزی سد و مانع سازد. پارچه‌ای مربع‌مستطیل که از زیر گلو یا از کمر به پایین پاکیزه ماندن جامه، فرو آویزند و طرفین آن را به گرد کمر ببندند، گاه در طبخ یا خیاطی یا آرایش و جز آن. فوطه‌ای غالباً سپید که از کمر به پایین آشینان، خدمتکاران و کودکان در جلو آویزند تا جامه شوخ‌گن نگرند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل پیش‌بند)

با این حساب در شکل کلی، هدف استفاده از پیش‌دامن، پاکیزه نگاه‌داشتن لباس اصلی است که علاوه بر صورت رایج به هنگام انجام کار منزل و مطبخ یا موقع صرف غذا؛ در مشاغل سنتی ایران نیز کاربرد داشته است. در مجموع از ۴۸ مرد مصور در دو نسخه از مرقعات صنفی به‌جای مانده از عصر ناصری (۲۶ نگاره از مجموعه محفوظ در کاخ گلستان و ۲۲ نگاره از مجموعه موجود در موزه بریتانیا)، تنها تعدادی از افراد به پیشه‌ای مشغول هستند و بسیاری صرفاً در احوالات روزانه یا در خلسه و استراحت به سر می‌برند؛ چنانکه حتی «بر اساس آمار موجود در اواخر عصر ناصری ۱۳۰۱ ه.ق/ ۱۸۸۳ م.، در تهران تعداد افراد کار بکن و خرج بیار ۱۲٪ و افراد غیرمفید و سربار ۸۸٪ بود. در این میان بسیاری از کارهایی که شغل به شمار می‌آمد، به‌قرار زیر بود: تریاک‌فروشی، معرکه‌گیری، شیره‌خانه‌داری، فالگیری، کبوتربازی، دلالی، باج‌گیری، گدایی، دخل‌زنی، جیب‌بری و ...»



تصویر ۱- کربلایی صادق دوغ‌کشکی با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ سوم از نسخهٔ اصلی، کاخ‌موزه گلستان، تهران، مأخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۲۵)

پیراهن، شلوار، قبا، پیش‌دامن و گیوه به نمایش درآمده است. در این تعبیر، کهنه‌سوار از اصطلاحات زورخانه بود و معمولاً به مرشد زورخانه گفته می‌شد که آموزش ورزش باستانی می‌داد. حرفه کهنه‌چینی نیز منسوب به دوره‌گردی بود که به جمع کردن تکه‌پارچه‌ها اقدام می‌کرد تا از آن‌ها جامه بدوزند یا در وصله و پینه کردن لباس‌ها استفاده کند (انواری، ۱۳۸۲، ۱۸). البته کار کهنه‌چین‌های دوره‌گرد صرفاً به پارچه و لباس محدود نبود و اشیای منزل و به‌ویژه ظروف مسی و نقره‌ای آشپزخانه را دربر می‌گرفت (شهری، ۱۳۷۸، ۱/۲، ۶۸۰). به‌هرروی در این نمونه درحالی‌که مشهدی کهنه‌سوار، خورجینی از منسوجات مستعمل را بر دوش انداخته، لباس خود را با بستن پیش‌دامن راه‌راهی به روی قبا تکمیل کرده است. «کربلایی بمون علی کاشانی باقلافروش»، پنجمین تصویری است که مرد دوره‌گردی را افزون بر لباس‌های متعارف با پیش‌دامن نشان می‌دهد که همچون موارد پیشین، طرح راه‌راه دارد (تصویر ۵). در توضیح اسمر و رسم او آنکه «بمون علی» همان «بمان علی» به لهجه تهرانی است. معمولاً وقتی در خانواده‌ای چند نوزاد می‌مردند، اگر نوزاد پسری تولد می‌یافت با توسل به نام مبارک امیر مؤمنان (ع)، وی را «علی» می‌نامیدند و با افزودن پسوند «بمان» به نام او از درگاه پروردگار، سلامت او را درخواست می‌کردند (انواری، ۱۳۸۲، ۱۹). درباره شغل بمون علی آنکه کار باقلافروشان دوره‌گرد، عرضه باقلای پخته همراه با نمک، و گلپر به هنگام عصر بود. آن‌ها دیگر را روی سر می‌گذاشتند و دادزنان در کوچه و برزن به راه می‌افتادند (شهری، ۱۳۷۸، ۱۰۶/۱۶). در این نگاره، بمون علی باقلافروش به‌عنوان نماد این صنف با قبا و کلیجه کهنه خزدوزی و پیش‌دامن راه‌راه به روی آن تجسم یافته است. حالت چهره او نیز بر اعلام حضور به دیگر مردم و مشتریان احتمالی با صدای بلند گواهی می‌دهد. آخرین نگاره موردبررسی از این مجموعه، تصویر «استاد رضای پینه‌دوز» است (تصویر ۶). پینه‌دوزها به‌صورت دوره‌گرد و دکان‌دار از طریق وصله کردن کفش‌های پاره امرامعاش می‌کردند و بدین سبب پاره‌دوز نیز نامیده می‌شدند. در برخی از متون نیز از آنان به‌عنوان رقعهدوز یاد شده است (انواری، ۱۳۸۲، ۱۶) چون درفش، سوزن، چکش، سریش، موم و غیره از ابزار کار ایشان بود استفاده از پیش‌دامن جهت محفوظداشتن لباس اصلی دور از نظر نمی‌نمود. استاد رضا در این تصویر به‌عنوان تنها نمونه موجود در هر دو نسخه از مرقع اصناف، افزون بر کلاه، پیراهن، قبا و شلوار

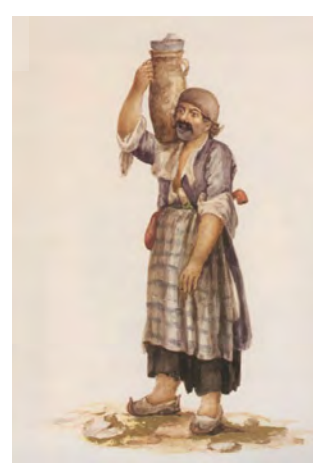
توضیح، این نگاره با روشن‌داشتن یکی از مشاغل مربوط به آن عهد، نشان‌دهنده پوشش یکی از افراد مرتبط با آن صنف یعنی مشهدی حمزه است که روی لباس معمول خود مشتمل بر پیراهن، شلوار و قبا؛ پیش‌دامنی به تن کرده تا آن را از آسیب‌دیدگی به هنگام فروش شاه‌توت محفوظ بدارد. این پیش‌دامن نیز از پارچه راه‌راه تهیه شده است. «حسن گربه سیرابی فروش»، سومین تصویر موردبررسی است که مردی را با ظرف سفالین بر دوش نشان می‌دهد (تصویر ۳). سیرابی، نوعی خوراک شامل امعاء بز، گاو و گوسفند است و سیرابی‌فروشان که دوره‌گرد بودند، بیشتر در کنار نانوائی‌های سنگ‌پزی بساط خود را می‌گسترند. خلاف دیگر فروشندگان مواد غذایی، سیرابی‌فروش، معمولاً مردی تمیز با لباس نسبتاً پاکیزه بود (شهری، ۱۳۷۸، ۷۶۳/۳). در این نمونه نیز مرد سیرابی‌فروش با آنکه همچون نمونه‌های پیشین، لباس نیم‌داری بر تن و البته گیوه‌ای در پا دارد، پیش‌دامنی راه‌راه را برای تکمیل پوشش خود در نظر گرفته است. نکته آنکه پیش‌دامن می‌توانست قبا را از آلودگی حفظ کند و در سوی مقابل آلودگی آن را پنهان دارد. «ایرانی‌های عصر قاجار، جهت حفظ نسج پارچه، شستشوی لباس را نه تنها امر غیرضروری بلکه زبان‌آور می‌دانستند پس طبیعی بود که فردی پیراهنی را یک ماه یا شلواری را شش ماه به تن داشته باشد» (مک‌گرو، ۱۳۶۸، ۱۷۱؛ وارینگ، ۱۳۹۷، ۹۰). فقط برای رعایت پاکیزگی اگر هوا وقت صبح سرد نبود، لباس خود را تکان می‌دادند که شپش میان آن نباشد (موزر، ۱۳۵۶، ۱۹۶). به‌این‌ترتیب هرچند ایرانیان از بهترین پارچه‌ها استفاده می‌کردند ولی شلوارهایشان، چرک و آستین‌های لباسشان پاره بود و بیشتر اوقات سرووضع مرتب و تمیزی نداشتند (بن‌تان، ۱۳۵۴، ۸۷). با این نگاه، به دلیل عدم توجه قاجاریان به مسئله بهداشت، شاید بتوان کارایی استفاده از پیش‌بند در لباس دوره‌گردان را از جهت دیگر به القای حس پاکیزگی به مشتری هم نسبت داد چراکه ممکن بود لباس اصلی دیرهنگام شسته شود اما به دلیل سهولت در شستشوی پیش‌دامن به سبب الیاف مصرفی، شیوه بافت و همین‌طور ابعاد و اندازه و عدم بهره‌مندی از دوخت، این امکان برای آن بیشتر فراهم بود. به‌این‌ترتیب استفاده از پیش‌دامن از یک‌سو به دوام بیشتر قبا منجر می‌شد و از سوی دیگر پاکیزگی نسبی بیشتری به همراه می‌آورد. در تصویر ۴، «مشهدی رنده کهنه‌سوار زورخانه ملک و کدخدای کهنه‌چین‌ها با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ هجدهم از نسخه اصلی، کاخ‌موزه گلستان، مآخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۵۵)



تصویر ۵- کربلایی بمون علی کاشانی باقلافروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ بیستم از نسخه اصلی، کاخ‌موزه گلستان، مآخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۵۹)



تصویر ۴- مشهدی رنده کهنه‌سوار زورخانه ملک و کدخدای کهنه‌چین‌ها با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ هجدهم از نسخه اصلی، کاخ‌موزه گلستان، مآخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۵۵)



تصویر ۳- حسن گربه سیراب فروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ هجدهم از نسخه اصلی، کاخ‌موزه گلستان، تهران (انواری، ۱۳۸۲، ۵۳)

ضعیف‌ترین اقشار اقتصادی جامعه بودند که امکان کسب درآمد با حداقل سرمایه را پیدا می‌کردند که با یکی دو قران، از لبوپی خرید کنند و آن را با دوره‌گردی به مردم بفروشند (شهری، ۱۳۷۸، ۵/۱۹۹). نوع ایستایی و ارائه جنس مرد لبوفروش در شباهت با مشهدی حمزه نطنزی شاه‌توت فروش در تصویر (۲) قرار می‌گیرد. مردی که طبقی از لبو را با چاقو و دستمالی در میان آن روی سر گرفته و سبدی روی دوش انداخته است. احتمالاً دستمال موجود در ظرف لبو برای پاک کردن دست فروشنده بعد از پوست کندن، برش کردن و ارائه آن به مشتری است که البته پیش‌دامن نیز می‌توانست برای این کاربرد هم مناسب باشد. اما در هر صورت وی که نسبت به نمونه پیش‌قبلا، پیراهن و شلوار تمیزتر و سالم‌تری بر تن دارد، برای نگهداری قبای خود از تغییر رنگ احتمالی با لبوی شیرین، چسبناک و قرمز رنگ از پیش‌دامن راه‌راه استفاده کرده است. «نان فروش دوره‌گرد»، موضوع تصویر (۹) است. دوره‌گردی برای فروش نان، یکی از مشاغل سنتی عصر قاجار بوده که اسناد تصویری دیگری مبتنی بر فروش نان سنگک بدین شیوه یافت شده است اما ظاهراً مرد حاضر در این نگاره، تعدادی نان گرد، بزرگ و تخت شبیه به نان خانگی توتک یا شیرمال روی سر دارد که شماری از آن‌ها قابل‌رؤیت است و احتمالاً تعدادی در داخل دیگچه قرار دارد که روی آن



تصویر ۶- استاد رضای پینه‌دوز با پیش‌بند ساده، مصور در برگ هشتم از نسخه اصلی، کاخ موزه گلستان. مأخذ: (انواری، ۱۳۸۲، ۳۵)



تصویر ۹- مرد نان‌فروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ هجدهم از نسخه اصلی، موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: (URL4)



تصویر ۸- مرد لبوفروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ بیست و ششم از نسخه اصلی، موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: (URL3)



تصویر ۷- مرد شربت‌فروش / آب‌زرشکی با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ بیست و هفتم از نسخه اصلی، موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: (URL2)

با پیش‌بند ساده و بدون طرح و نقش به نمایش درآمده است. هرچند باید یادآور شد که در نقاشی امکان دخل و تصرف هنرمندانه وجود دارد اما سبک نقاشی ایران در میانه سده سیزده/ نوزده یکی از مدارک مستند از طرز زیست ایرانیان در یک‌صد و پنجاه سال پیش به شمار می‌رود بنابراین می‌توان مدعی بود هرچند پارچه راه‌راه در تهیه پیش‌دامن مشاغل سنتی ایران کارآمد می‌نمود اما استفاده از منسوجات ساده ارزان‌قیمت نیز در این کاربرد، قابل‌شناسایی است.

پیش‌دامن در لباس کسبه مرقع اصناف محفوظ در موزه بریتانیا

در اطلاعات موزه‌های این مرقع، احتمالاً به دلیل عدم ذکر جزئیات در نسخه اصلی (نظیر آنچه که در نسخه کاخ گلستان به خط شکسته نستعلیق در ذیل تصویر درج شده بود)، خبری از قید نام فرد فروشنده نیست و صرفاً به معرفی شغل وی بسنده شده است. به‌هرروی در تصویر (۷)، «مرد شربت‌فروش» یا «آب‌زرشکی / آلبالویی» قابل‌ملاحظه است. چنانچه در اطلاعات این اثر، به شربت‌فروشی اشاره شده اما آب‌زرشکی نیز یکی از مشاغل سنتی تهران عصر قاجار بود که تمییز این دو از یکدیگر در تصویر ممکن نیست. نوع ایستایی این مرد، کربلایی صادق دوغ‌کشکی در تصویر (۱) را تداعی می‌کند که او نیز نوشیدنی می‌فروخت: شربت‌فروش‌ها، آب‌زرشکی‌ها و دوغ‌کشکی‌ها و سایر فروشنده‌های خوراکی دوره‌گرد، در کار خود ثابت نبودند و این محصولات را به تناسب فصل بین مردم کوچه و بازار عرضه می‌کردند. «دوغی، شربتی، آب‌زرشکی، لبویی، گردویی، باقلایی و کسب‌کارهای روزانه این‌چنینی از اصیل‌ترین مشاغل تهرانی بود و آب‌زرشک‌فروش کسی بود که مانند سقای کوزه‌ای، لنگی از جلو بسته و غرابه شکم‌داری را در میان می‌گرفت و با آواز بلند در کوچه و برزن جلب مشتری می‌کرد» (شهری، ۱۳۷۸، ۸۶/۶ و ۱۱۸). بر این قیاس، مرد آب‌زرشکی حاضر در تصویر (۷)، یک ظرف سفالی بزرگ مملو از شربت یا آب‌زرشک را در بغل گرفته و برای حفظ لباس مستعمل و وصله‌دار خود - که وضعیت اقتصادی وی متناسب با دوره‌گردی را بیش‌ازپیش یادآوری می‌کند - از ریزش مایعات رنگین از پیش‌دامن راه‌راه استفاده کرده است. در تصویر (۸)، «مرد لبوفروش» قابل‌رؤیت است. لبوفروش‌ها جزء

وجود نداشته باشد» (حصوری، ۱۳۸۵، ۵۱). در این حالت، محرمات، نوعی واگیره‌سازی و مشتمل بر تکرار نقوش هندسی یا گل‌دار به صورت عمودی یا افقی است (بصام، ۱۳۹۲، ۱۱). درباره تاریخ پیدایی این شیوه طرح‌اندازی آنکه رواج آن به شکل قابل ملاحظه‌ای در نمونه‌های پارچه‌های دوران متأخر یعنی زند و قاجار به چشم می‌خورد اما در حقیقت یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های تزیینی است که حداقل در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد شکل گرفت و در دستبافته‌های عصر برنز رونق، وسعت یافت و بعدها در عصر اسلامی بازبایی شد. (حصوری، ۱۳۸۵، ۵۲)

درباره پارچه‌های محرمات عصر قاجار آنکه یکی از انواع پرکاربرد در اوایل این عهد و به تبعیت از دوره زندیه، محرماتی بود که به شیوه گلدوزی (تصویر ۱ از جدول ۱) تهیه می‌شد و در دوخت شلوار زنانه استفاده داشت (تصویر ۱۱). در سایت برخی از موزه‌ها همچون ویکتوریا و آلبرت از این نوع محرمات تحت عنوان «نقشه» یاد شده است (URL7). افزون بر این، پیش‌تر در اروپا، این قسم از محرمات گران‌بها را به اشتباه «جلیقه ایرانی» نامیدند که نادرست است زیرا هیچ ایرانی هرگز این پارچه را به عنوان بالاپوش، به کار نمی‌برد بلکه این نوع محرمات گلدوزی در تهیه شلوار زنانه کاربرد داشته است (دالمانی، ۱۳۷۸، ۶۶۲). اما این پارچه‌ها به محض رسیدن به اروپا تبدیل به جلیقه، کلاه، روفرشی و کفش می‌شدند و به همین سبب بدین نام شهرت یافتند (وردن و بیکر، ۱۳۹۶، ۱۲۲). این پارچه‌های محرمات با چنان ظرافتی گلدوزی شده‌اند که دیدن پارچه زمینه آن‌ها غیرممکن می‌نماید به طوری که بیننده تصور می‌کند جزئی از خود پارچه است و به همین سبب اغلب گمرک‌چیان خارجی آن‌ها را با پارچه‌های گل‌دار اشتباه می‌کردند و حقوق گمرکی را بر آن اساس می‌گرفتند. این گلدوزی‌ها به قدری منسجم بودند که می‌توان ادعا کرد زوال‌ناپذیر هستند. با همه این احوال برخی از این گلدوزی‌ها از نظر هنری جالب به حساب نمی‌آمدند زیرا غالباً به دلیل نقوش بسیار درهم آن‌ها بیش از آنکه دستبافت به نظر برسند جلوه ماشینی داشتند (دالمانی، ۱۳۷۸، ۶۶۴). به موازات، گونه‌ای دیگر پارچه محرمات وجود داشت که آن‌هم با ترکیب شیوه‌های رودوزی (تکه‌دوزی و گلدوزی) شکل می‌گرفت و از قضا بازم معمولاً در دوخت شلوار کاربرد داشت اما خاص زنان زرتشتی است و با رنگ و نقش ویژه ایشان شناسایی می‌شود (تصویر ۲ از جدول ۲). در این بین، صورت‌های



تصویر ۱۱- ساقی دربار با کت طرح‌دار محرمات، اثر میرزا بابا، دوره فتحعلی شاهی ۱۲۱۵ ه.ق/ ۱۸۰۰ م، مجموعه خصوصی، مأخذ: (Diba, 1998, 158)

با دستمال سفیدی پوشانده شده است. ترکیب کلی تصویر یادآور کرلایی بمون علی کاشانی باقلافروش در تصویر (۵) است. نان‌فروش دوره‌گرد، سبیدی بر دوش انداخته و افزون بر پوشش متعارف زمانه، پیش‌بندی از پارچه راه‌راه در بر کرده است. در آخر و در تصویر (۱۰)، «مرد فروشنده سفال» به نمایش درآمده است که علاوه بر کلاه، پیراهن، شلوار، قبا و گیوه؛ پیش‌دامنی از طرح راه‌راه دارد. سفال‌هایی که مرد روی سر و در دست دارد بر سادگی شیوه ساخت و عدم بهره‌مندی آن‌ها از تزیین با لعاب حکایت می‌کند که خرید آن برای قشر متوسط جامعه را ممکن می‌ساخته است به‌هرروی این مرد نیز به شیوه دوره‌گردی نسبت به ارائه دست‌ساخته خود اقدام نموده و برای تکمیل لباس خود از پیش‌بند محرمات بهره جسته است. می‌توان محتمل دانست که در کلیه مشاغل مبتنی بر دست‌فروشی، استفاده از پیش‌دامن علاوه بر محافظت از لباس اصلی و رعایت پاکیزگی، به‌عنوان یک نماد صنفی بوده است. به عبارتی شاید از منظر نمادشناسی، برای وابستگان مشاغل سنتی که در کوچه و بازار دوره‌گردی می‌کردند در برداشتن پیش‌بند به معنی آن بود که ایشان نه رهگذر عادی که مشغول ارائه خدمات هستند که شاید بتوان آن را مترادف عبارت «مغازه باز است» در نظر گرفت. نشانه‌ای که با بانگ فروشنده و جلب‌توجه مشتری تکمیل می‌شد و جنبه عمومی به خود می‌گرفت.

پارچه راه‌راه (محرمات) و انواع آن در پوشاک عصر قاجار

طرح محرمات، نقشه راه است. «در صورت محدود، محرمات، پارچه راه‌راهی است که یک راه آن سفید و راه دیگرش سیاه باشد یا پارچه راه‌راه الوان» (روح‌فر، ۱۳۸۰، ۷۴). درباره اندازه یکسان یا متفاوت راه‌های پارچه محرمات، تفاوتی وجود ندارد اما اصولاً این قاعده را بدین شکل اصلاح کرده‌اند که «نقشه محرمات ممکن است در عرض سامانه یکسانی نداشته باشد، مثلاً نوارها یک یا دو ردیف در میان یکسان باشند. بدیهی است که این کار از ویژگی‌های تکرار می‌کاهد و در نتیجه اثر محرمات را از بین می‌برد یا کم می‌کند. به همین دلیل ارجحیت با نقشه‌هایی است که سامانه منظم دارند و بر زیبایی نقشه می‌افزایند» (حصوری، ۱۳۸۵، ۱۲۱). بنابراین در این شیوه، انواع راه‌ها با پهنای مساوی یا متفاوت برای تزیین به کار می‌رود. ممکن است درون این راه‌ها با انواع آرایه‌های گل و گیاه پر شود (طالب‌پور، ۱۳۹۰، ۲۶). حتی ممکن است «محرمات فقط با پشت سرهم قرار گرفتن نقش‌ها یا ردیف‌هایی از نقش‌ها شکل گیرد و بین ردیف‌ها، مرز مشخصی



تصویر ۱۰- مرد سفال‌فروش با پیش‌بند محرمات، مصور در برگ هفتم از نسخه اصلی، موزه بریتانیا، لندن، مأخذ: (URL5)

در بالاپوش مردان متمول کاربرد داشت (تصویر ۱۴). البته در پوشش زنان نیز پارچه محرمات بافته، در صورتی مشابه لباس مردانه یعنی آستردوزی استفاده می‌شد که گاه بهره‌مندی از آن در قالب تزئینات سنبوسه آستین بالاپوش ایشان نمود می‌یافت (تصویر ۱۵). برای احراز تفاوت دیگر جهت بهره‌مندی از پارچه محرمات در پوشاک مردانه نسبت به انواع زنانه باید به جزء افزون پوشش ایشان یعنی شال کمر به‌عنوان عنصر اصلی پوشاک بیرونی رجوع داشت چراکه در دوره ناصرالدین‌شاهی استفاده از پارچه‌های محرمات برای تهیه شال کمر میان اقشار بالادست تا زمان تداول آن رواج داشت (تصویر ۱۶).

افزون بر موارد گران‌بهای فوق، گونه‌ای دیگر از منسوجات محرمات، بافته می‌شد که راه‌راه ساده و عاری از نقش بود و گاه با ترکیب رنگی سیاه‌وسفید (تصویر ۵ از جدول ۱) و گاه با رنگ‌های متنوع (تصویر از جدول ۱) عرضه می‌شد و در هر صورت به دلیل الیاف و مواد اولیه ارزان (پنبه یا کتان) و شیوه بافت مبتنی بر تکرار که امکان تولید آن با دستگاه‌های ساده و بعدها کارخانه‌ای را ممکن می‌ساخت؛ مناسب قیمت و به‌تبع در بین مردم عامی جامعه فراگیر می‌نمود. «این نوع پارچه محرمات بیشتر به مصرف طبقه متوسط مردم می‌رسید» (همان، ۹۵). به‌این ترتیب می‌توان در عصر قاجار سه سطح از پارچه محرمات را شناسایی کرد: اقسامی که محصول عملیات تکمیلی هستند و رودوزی شده‌اند که بیشتر در دوره فتحعلی‌شاهی در دوخت شلوار زنانه کاربرد داشت یا با سبک نوع خاص تکه‌دوزی، ویژه زنان زرتشتی بود. نوعی دیگر که با دستگاه‌های بافت پیچیده، تولید می‌شد و ممکن بود نوعی از زردوزی، مخمل یا ترمه باشد و در آستردوزی، حاشیه‌دوزی بالاپوش مردان متمول و حتی شال کمر ایشان کاربرد داشت و در مقابل در دوخت رویه و آستر نیم‌تنه زنانه به‌صورت گسترده به کار می‌آمد. انواعی از این محرمات در اوایل قاجار و مقارن با عصر فتحعلی‌شاهی در پوشش خدمه دربار همچون قبا و بالاپوش کارا می‌نمود اما شاهدهی بر ماندگاری این رسم در دوره بعدی یعنی عهد ناصری یا بهره‌گیری از آن در لباس

دیگری از پارچه محرمات بافته می‌شد که اصلی‌ترین شکل و صورت آن به شمار می‌آمد یعنی پارچه‌های راه‌راه با نقش گیاهی (تصاویر ۳ و ۴ از جدول ۱). این نوع از محرمات نیز از گونه‌های نسبتاً مرغوب بود که ممکن بود به شیوه‌های پیچیده تولید شده و در زمره انواع گران‌بها همچون زری و مخمل قرار بگیرد. چنین محرماتی در نیمه اول حکومت قاجاریان، خاصه در عصر فتحعلی‌شاهی و پیش از فرمانروایی ناصرالدین‌شاه در دوخت سرجامه و بالاپوش زنانه استفاده داشت (تصویر ۱۱) اما در جامعه مردانه در قالب پوشش خدمه دربار و نوکران به کار می‌آمد (تصویر ۱۲) و کاربرد آن برای شاهزادگان، احتمالاً با الیاف مرغوب و روش‌های بافت پیچیده به آستر، حاشیه‌دوزی و درنهایت شال کمر خلاصه می‌شد (تصویر ۱۳). چنانکه نوشته‌اند: «مقامات عالی‌رتبه دربار، معمولاً از پارچه محرمات در قالب پوشش زیرین بهره برده یا صرفاً جهت مصارف تزئینی، نوع مطلوب آن را به کار می‌گرفتند» (مافی‌تبار و کاتب، ۱۳۹۷، ۹۵). روندی که در عهد ناصری نیز تداوم یافت؛ بدین ترتیب با جست‌وجوی جزئیات در نقاشی‌های عهد ناصری می‌توان مدعی بود که هر چند پارچه محرمات در دوخت نیم‌تنه زنانه فراوان به کار می‌آمد اما در اندازه آستر، لایه‌دوزی و حاشیه‌های تزئینی



تصویر ۱۳- شاهزاده قاجاری، بهرام‌میرزا، دوره فتحعلی شاهی، نیمه اول سده سیزدهم / نوزدهم، کاخ موزه سعدآباد، تهران. مأخذ: (کیکاووسی، ۱۳۷۱، ۱۹)



تصویر ۱۲- ساقی دربار با قیای طرح‌دار محرمات، اثر احمد نقاش، دوره فتحعلی‌شاهی، نیمه اول سده سیزدهم / نوزدهم، موزه متروپولیتن، نیویورک. مأخذ: (URL 7)



تصویر ۱۶- یکی از بزرگان درباری (حاجی میرزا آقاسی) با شال کمر و حاشیه‌دوزی قبا با پارچه محرمات، اثر صنیع‌الملک، دوره ناصری، ۱۲۶۶ ه.ق / ۱۸۵۰ م. موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: (URL 8)



تصویر ۱۵- خورشیدخانم با بالاپوش سنبوسه‌دار با طرح محرمات، اثر صنیع‌الملک، دوره ناصری، ۱۲۵۹ ه.ق / ۱۸۴۳ م. موزه ملک، تهران. مأخذ: (ذکاء، ۱۳۸۲، ۸۴)



تصویر ۱۴- دلدادگان و مشاطه با بالاپوش زنانه و آستر سرداری محرمات، اثر صنیع‌الملک، دوره ناصری، ۱۲۵۹ ه.ق / ۱۸۴۳ م. کاخ موزه گلستان، تهران. مأخذ: (ذکاء، ۱۳۸۲، ۱۵۴)

حتی پارگی و نیاز به وصله و پینه با منسوجات پنبه‌ای و کتان‌ی تناسب پیدا می‌کند، بدین ترتیب استفاده از انواع محرمات گران‌بها نه تنها مقرون به صرفه نیست که با هدف و کاربرد پوششده تناسب ندارد بنابراین پارچه محرمات به نسبت ارزان قیمت، یکی از اقلام پر استفاده در پیش‌دامن اصناف دوره گرد عصر ناصری بوده است. در سطح فراتر و با نظر به شباهت تصاویر ۵ و ۶ از جدول (۱) با تصاویر ۱ و ۲ از جدول (۲) شاید بتوان مدعی بود منسوجات محرمات کاربردی در پیش‌دامن، چیزی شبیه به انواع دستمال یزدی در دنیای امروز باشد که با طرح راه‌راه و رنگ سیاه و سفید به عنوان سفره نان شناخته می‌شود و با طرح راه‌راه یا چهارخانه و رنگ قرمز و سفید به عنوان لنگ مشهور است و البته اقسام دیگری که هر کدام نیاز به پژوهشی مجزا دارد. انواعی از پارچه‌های بافته شده با دستگاه‌های سنتی که هر چند در دنیای صنعتی کنونی به دلیل حضور فعال انسان از یکسو و میراث‌داری گذشته از سوی دیگر بسیار ارزشمند هستند اما در دنیای کهن قاجاری به دلیل رقابت با دستبافته‌های پیچیده همچون زری و مخمل به نسبت ارزان‌تر به حساب می‌آمدند و امکان استفاده برای طبقه اقتصادی متوسط و ضعیف را فراهم می‌ساختند.

قشر بالادست همچون شاهان، شاهزادگان و درباریان به دست نیامده است. سطح نازل پارچه محرمات، منسوج ساده راه‌راهی بود که در دو یا چند رنگ با دستگاه‌های ساده پارچه‌بافی یا حتی با تکنولوژی اولیه کارخانه‌ای بافته می‌شد و در میان فقرا و ضعفا مقبولیت داشت.

پارچه کاربردی در پیش‌دامن کسبه عصر ناصری

با نظر به تحلیل ده تصویر از مرقعات صنفی عصر ناصری و توضیحاتی که درباره قطعات متعارف لباس مردانه و انواع پارچه محرمات ذکر گردید، پیش‌دامن (پیش‌بند)، قطعه‌ای افزون بر اجزای معمول لباس مردانه بود که متناسب با شغل دوره گردان، جهت حفاظت از لباس اصلی، حفظ پاکیزگی و چه بسا اعلام حضور ایشان به مشتری‌های احتمالی کارآیی داشته است. در بیشتر نمونه‌های مورد مطالعه (فارغ از یک نگاه)، پارچه پیش‌دامن از طرح محرمات بود که با نظر به طبقه اجتماعی اصناف دوره گرد، احتمالاً از انواع نازل و بدون نقش بوده است. ادعایی که تدقیق در جزئیات تصاویر (۱-۱۰) و مقایسه اطلاعات بصری به دست آمده از پیش‌دامن اصناف مذکور با پارچه‌های محرمات مصور در تصاویر ۵ و ۶ از جدول (۱) بر آن صحنه می‌گذارد. از سوی دیگر و افزون بر طبقه اقتصادی فرد دوره گرد، چرایی استفاده از پیش‌دامن است که به دلیل احتمال آلودگی، شست‌وشوی مکرر،

جدول ۱- انواع پارچه محرمات در عصر قاجار.

		
تصویر ۱- پارچه محرمات به شیوه رودوزی، گلدوزی، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن. مأخذ: (URL9)	تصویر ۲- پارچه محرمات به شیوه تکه‌دوزی، زرتشتی‌دوز، موزه بریتانیا، لندن. مأخذ: (URL10)	تصویر ۳- پارچه محرمات منقوش بافت شده، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن. مأخذ: (URL11)
		
تصویر ۴- پارچه محرمات منقوش بافته شده، موزه متروپولیتن، نیویورک. مأخذ: (URL12)	تصویر ۵- پارچه محرمات بافته شده، بدون نقش، آرشیو دیجیتال کتابخانه دانشگاه هاروارد. مأخذ: (URL12)	تصویر ۶- پارچه محرمات بافته شده، بدون نقش، کاخ موزه گلستان، تهران.

جدول ۲- انواعی از دستمال یزدی.

	
تصویر ۱- دستمال نان یزدی.	تصویر ۲- لنگ راه‌راه یزدی.

نتیجه

رودوزی تولید می‌شده است. به نظر می‌رسد پارچه‌های راه‌راه مبتنی بر رودوزی، جزء انواع گران‌بها بود و بیشتر در اوایل عصر قاجار آن‌هم قالب پوشاک زنانه یعنی پاجامه کاربرد داشت. پارچه‌های راه‌راه منقوش به صورت گیاهی نیز در پوشش زنان درباری و مردان خدمتکار مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ مگر آنکه به‌صورت شال کمر، آستر یا جهت حاشیه‌دوزی در پوشاک مردان متمول به کار می‌آمد پس ظاهراً آنچه به‌عنوان پیش‌بند در پوشش اصناف دوره‌گرد قاجاری استفاده داشته به‌تبعیت شغل، طبقه اقتصادی و حتی کاربرد (جهت محفوظ ماندن لباس زیرین و پاکیزگی) بایست از انواع بسیار ارزان‌قیمت بوده باشد که ویژگی‌های تصویر نیز بر آن گواهی می‌دهد. با این حساب در بررسی جزئیات لباس دوره‌گردان دست‌فروشان عهد ناصری نه‌تنها پیش‌دامن یکی از اجزای کاربردی به شمار می‌آمد که پارچه محرمات بدون نقش و بافته‌شده با دستگاه‌های ساده بافندگی در این مصرف مورد استقبال بود. پارچه پنبه‌ای یا کتان؛ شاید شبیه به آن چیزی که امروزه تحت عنوان کلی دستمال‌یزدی (لنگ) راه‌راه یا دستمال نان‌یزدی قابل‌بازایی است. امید است سایر پژوهشگران با جزئی‌نگری در اسناد مصور و مکتوب اعصار تاریخی ایران به‌ویژه دوره قاجار نسبت به بازشناسی موارد مغفول و معرفی آن به سایر پژوهندگان و هنرمندان اقدام نمایند.

در مقاله حاضر با تأکید بر دو نمونه از نسخ مرقع اصناف، متعلق به دوره ناصری نسبت به مطالعه در پوشش اصناف دوره‌گرد اقدام شد. نسخی که گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که در فاصله کمی بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا رقم خورده‌اند. هدف مطالعه، تأکید بر عنصر تکمیلی پوشاک مردمان این قشر، یعنی پیش‌دامن (پیش‌بند) قرار گرفت. در یکی از نمونه‌های مرقع اصناف که در کاخ گلستان نگهداری می‌شود، ۲۶ مرد قابل ملاحظه است که ۶ مورد از آن‌ها به‌تبعیت از شغل و کالایی که عرضه می‌کنند دارای پیش‌دامن هستند. فروشنده دوغ، سیراب و شاه‌توت از جمله آن‌ها به شمار می‌آیند. در میان ۲۲ مرد مصور مرقع صنفی دوم، محفوظ در موزه بریتانیا، ۴ مرد همچون مرد لب‌فروش و نان‌فروش دوره‌گرد با پیش‌دامن به تصویر درآمده‌اند. در مجموع، میان ده مرد کاسب مصور در این اوراق که از پیش‌دامن بهره گرفته‌اند، در ۹ مورد، پارچه مورد استفاده مزین به طرح محرمات بوده و تنها ۱ مورد از مرقع صنفی محفوظ در کاخ‌موزه گلستان، از پارچه ساده و بدون طرح و نقش (پیش‌بند استاد رضای پینه‌دوز) است. با نظر به چنین قیاسی، می‌توان نتیجه گرفت که پارچه محرمات از انواع پر کاربرد در تهیه پیش‌دامن اصناف دست‌فروش قاجاری بوده است. نکته آنکه منسوجات محرمات نیز با کیفیت‌های متنوع و شیوه‌های متفاوت یعنی طرح‌اندازی در حین بافت (به‌صورت منقوش یا غیرمنقوش) یا عملیات تکمیلی همچون

https://journals.shahed.ac.ir/article_32.html

عرشی، علی و نوری‌تبار، سعید (۱۴۰۰)، شاخص‌ها و زمینه‌های تأثیرگذار بر تحولات لباس ایران از لباس اروپا در دوره دوم قاجار، *علوم و فناوری‌ساجی و پوشاک*، ۱۰ (۴۰)، ۵۳-۷۰.

https://www.jtst.ir/article_154019.html

غیبی، مهرآسا (۱۳۸۶)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، منوچهر امیری تهران، تهران: توس.

کیکاووسی، نعمت‌الله (۱۳۷۱)، گلگشت در نگارستان، تهران: نگار. مافی‌تبار، آمنه؛ کاتب، فاطمه و حسامی، منصور (۱۳۹۵)، تناظر بازنمایی تصویری و نظم در هنرهای تزئینی از منظر «ارنست گامبریخ» (مورد مطالعاتی: طرح پارچه‌های محرمات)، *کیمیای هنر*، ۵ (۲۱)، ۴۳-۵۶.

URL: <http://kimiahonar.ir/article-1-898-en.html>

مافی‌تبار، آمنه و کاتب، فاطمه (۱۳۹۷)، بازبایی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه با استفاده از پیکرنگاری درباری، *پژوهش هنر*، ۸ (۱۵)، ۸۷-۱۰۶.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1397.8.15.3>

مافی‌تبار، آمنه (۱۴۰۰)، پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک‌شب صنایع‌الملک، *ماهنامه باغ نظر*، ۱۸ (۱۰۵)، ۱۱۱-۱۲۲.

<https://doi.org/10.22034bagh.2021.259728.4726>

محمدمدی، منظر و احمدی زاویه، سید سعید (۱۳۹۷)، سیمای مرد مدرن: تحلیلی بر تحول لباس مردان در ایران عصر قاجار، *تحقیقات اجتماعی ایران*، ۸ (۱۵)، ۱۵۵-۱۸۱. <https://doi.org/10.30465/shc.2018.19381.1705>

مک گرگور، کلنل س. ام (۱۳۶۸)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵، جلد دوم، ترجمه اسدالله توکلی طیبی، مشهد: آستان قدس رضوی.

موزر، هنری (۱۳۵۶)، *سفرنامه ترکستان و ایران*، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر.

فهرست منابع

- آتابای، بدری (۱۳۵۳)، *فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی*، تهران: زیبا.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، *نگارگری ایران*، جلد دوم تهران: سمت.
- انواری، سعید (۱۳۸۲)، *مرقع اصناف*، تهران: پروین.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه محمدحسین کردبچه، جلد اول، تهران: اطلاعات.
- بصام، جلال‌الدین (۱۳۹۲)، *فهرنگ فرش دستباف تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران*.
- بن‌تان، آگوست (۱۳۵۴)، *سفرنامه بن‌تان*، ترجمه منصوره نظام‌مافی اتحادیه، تهران: سپهر.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- حضوری، علی (۱۳۸۵)، *مبانی طراحی سنتی در ایران*، چاپ دوم، تهران: چشمه
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، دوره جدید (چاپ اول)، تهران: دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۳۲)، *سفرنامه ایران و کلد*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: خیام.
- ذکاء، یحیی (۱۳۸۲)، *زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- روح‌فر، زهره (۱۳۸۰)، *نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی*، تهران: سمت.
- شهری، جعفر (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، مجموعه شش جلدی، چاپ سوم، تهران: رسا.
- شهشهبانی، سهیلا (۱۳۹۶)، *تاریخ پوشاک قاجار*، تهران: فرهنگسرای میردشتی، صالح، الهه (۱۳۹۴)، بررسی زیورآلات وابسته به پوشاک مردان، *پیکره*، ۴ (۷)، ۲۴-۳۵. <https://doi.org/10.22055/pyk.2016.14558>
- طالب‌پور، فریده (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی منسوجات هندی گورکانی با پارچه‌های صفوی، *نگره*، ۶ (۱۷)، ۱۵-۲۹.

URL6: <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450749?sortBy=Relevance&ft=iran+painting&offset=440∓rpp=20&pos=451> (Access Date: 04/014/2023)

URL7: <https://collections.vam.ac.uk/item/O146187/naqshe-naksh-unknown/> (Access Date: 04/014/2023)

URL8: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1931-1127-0-1 (Access Date: 04/014/2023)

URL9: <https://collections.vam.ac.uk/item/O153682/trouser-panel-unknown/> (Access Date: 04/014/2023)

URL10: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_A1966-01-559 (Access Date: 04/014/2023)

URL11: <https://collections.vam.ac.uk/item/O153878/dress-fabric-unknown/> (Access Date: 04/014/2023)

URL12: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/698650?when=A.D.+1600-1800&ft=iran+textile&offset=0&rpp=40&pos=31> (Access Date: 04/014/2023)

URL13: <https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/ids:46781902> (Access Date: 04/014/2023)

مونسی سرخه، مریم (۱۳۹۶)، *پوشاک ایرانیان در عصر قاجار*، تهران: الزهراء. وارینگ، ادوارد اسکات (۱۳۹۷)، *سفر به شیراز و دیگر شهرهای جنوبی*، ترجمه عبدالرضا کلمرزی و رضا صالحیان کوشک قاضی، تهران: نامک. وردن، جنیفر؛ بیکر، پاتریشیا (۱۳۹۶)، *منسوجات ایرانی*، ترجمه مهراں محبوبی، تهران: نظر.

ویلز، چارلز جیمز (۱۳۸۸)، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.

Diba, Layla. (1998). *Royal Persian Paintings*. London: I.B. Tauris.

URL1: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_2006-0314-0-1 (access date: 4/14/2023)

URL2: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_2006-0314-0-27 (access date: 4/14/2023)

URL3: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_2006-0314-0-26 (access date: 4/14/2023)

URL4: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_2006-0314-0-18 (access date: 4/14/2023)

URL5: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_2006-0314-0-7 (access date: 4/14/2023)

